

از دواج در ایران، طلاق در غربت

در میان حکایات بی‌شمار مربوط به مهاجرت ایرانیان به خارج، قصه تلخ ناگفته‌ای هم وجود دارد که مربوط به طلاق در دیار غربت است.

زوج‌هایی با این تصور رویانی که زندگی در آن سوی مرزها، و خصوصاً در دیار غربت آسان‌تر، و روزگار بیشتر به کام خواهد بود، به سرزمین‌های بیگانه کوچیدند. و هنوز هم می‌کوچند.

این زوج‌ها در سرزمین‌های بیگانه با مشکلات گوناگونی مواجه می‌شوند. مشکلات مادی و تعارض‌های فرهنگی در صدر فهرست این مشکلات قرار دارند. مرد نمی‌تواند آن رفاهی را که به خود و همسرش وعده کرده بیابد، پس اختلاف شروع می‌شود.

مرد اگر بتواند منبع درآمدی بیابد و ذات مستعدی هم داشته باشد، تن به هوس‌های نفسانی می‌دهد و چنان افراط می‌کند که زنش به ستوه می‌آید.

یا

زن، بریده از اصل، یا در واقع همان فرهنگ ملی خویش، زندگی بی‌مسئولیتی را پیشه می‌کند و راه و روشی بر می‌گزیند که برای شوهر قابل تحمل نیست.

یا

مرد در می‌یابد در محاسباتش اشتباه کرده و رنج غربت و کمبودهای مادی در دیار بیگانه فراتر از حد تحمل اوست و لذا تصمیم می‌گیرد با قبول شکست، به وطن بازگردد، اما زن که اسیر جاذبه‌های زندگی محیط جدید شده به بازگشت راضی نمی‌شود.

یا

زن در غربت و دیار بیگانه چنان از کرده خویش پشیمان می‌شود که دو پا را در یک کفش می‌کند و خواهان بازگشت به ایران می‌شود، اما شوهر تن به این خواسته نمی‌دهد.

و یا...

عوارض مهاجرت گوناگون است. اما همه این عوارض بر زندگی زناشویی مهاجرین بیشترین تأثیر را می‌گذارد.

ما روایات افواهی زیادی از متلاشی شدن زندگی‌های زناشویی زوج‌های مهاجر ایرانی شنیده‌ایم.

گروهی از مهاجرین بازگشته به وطن نیز روایات تکان‌دهنده‌ای از متلاشی شدن بنیان‌های خانوادگی

مهاجرین مانده در دیار غربت تعریف می‌کنند. زنان و مردان بسیاری بی‌آنکه رسماً جدا شوند، زندگی مستقلی پیشه کرده‌اند. فرزندان در این میانه توپ فوتبال هستند. هم پدر و مادر دارند، هم بی‌پدر و مادر هستند.

منجلات مهاجرت عجولانه و بررسی نشده، این مهاجرین را چنان در خود غرق کرده که همه اصول مذهبی و اخلاقی را از یاد برده‌اند، و به شیوه‌ای زندگی می‌کنند که حتی تصور آن برای ما آزاردهنده است.

اما کسانی هم هستند که راضی نمی‌شوند برای ماندن در غربت هر بهائی را بپردازند. ایسان کسانی هستند که به اصول مذهبی و اخلاقی پایبندند، از همین رو وقتی در می‌یابند طرف مقابل (زوج یا زوجه) حاضر به تمکین نیست، یا به میهن باز نمی‌گردد و یا اصول یک زندگی زناشویی شرافتمندانه را رعایت نمی‌کند، به حربه آخرین متوسل می‌شوند: طلاق ولی مگر طلاق در غربت آسان است؟

این گزارش شرح مختصری است در باره همین طلاق‌های پردردسر

عروسهای سیاه بخت

در سال‌های اخیر شنیدن آواز دهل از راه دور در تعدادی از خانواده‌های ایرانی این باور غلط را بوجود آورده است که اگر یک جوان ایرانی مقیم اروپا - آمریکا یا استرالیا به خواستگاری دخترشان بیاید، هم فرزندان سبید بخت می‌شود، هم خود جای پانی در خارج پیدا می‌کنند.

همین باور موجب شده است خواستگاران مقیم ایران دختران این قبیل خانواده‌ها، حتی اگر شرایط اقتصادی - اجتماعی مناسبی هم داشته باشند جواب رد بکشوند، اما در نقطه مقابل، به محض این که یک خواستگار که از ایرانیان مقیم خارج باشد پا پیش بگذارد آغوش‌ها به رویش گشوده می‌شود. کافی است این خواستگار اجازه اقامت در یک کشور خارجی داشته باشد و بتواند ثابت کند شغلی و درآمدی هم دارد. بقیه اموری که اساس یک زندگی زناشویی را تشکیل می‌دهند در زمره فروع قرار می‌گیرند.

خانواده به این نمی‌اندیشد جوانی که برای دیدن پدر و مادر خویش، و ضمناً زن گرفتن، به ایران آمده چه منشی دارد؟. خصوصیات واقعی اخلاقی او

چگونه است؟. آیا در یک کشور غربی همان رفتاری را دارد که در اقامت کوتاه مدتش در ایران از او دیده‌اند؟. به واکنش‌های احتمالی دختر در دیار غربت نیز توجه نمی‌شود. دختر جوان است و کم تجربه، و شوق زندگی در دیار از ما بهتران هم مزید بر بی تجربه‌گی او می‌شود و «بله» را راحت بر زبان می‌آورد. بر این قبیل دختران حرجی نیست، اما مسئولیت والدین را نمی‌توان نادیده گرفت.

همه این ازدواج‌ها به تلخکامی و جدائی منجر نمی‌شود. اما همه این عروسان نیز سبید بخت نشده‌اند و نخواهند شد. می‌توان موارد متعددی را مثال آورد که دختری به عقد ازدواج یک مرد ایرانی مقیم خارج در آمده، همراه او به دیار غربت رفته، اما چندماه بعد با دریافته شوهرش همانی نیست که او می‌پنداشته، و یا دچار درد غریبی شده و یا خویشش را زیر بار مصائب و مشکلات دیگری یافته است.

گروهی از این دختران سیاه‌بخت در دیار غربت می‌مانند، گروهی طلاق نگرفته به وطن باز می‌گردند، و گروهی مطلقه شده بار دیگر پا به حرم خانه پدر و مادر خویش می‌گذارند.

چنانکه پیش‌تر هم ذکر کردیم همه این دختران سیاه‌بخت نمی‌شوند، چنانکه همه خانواده‌های مهاجر ایرانی گرفتار عوارضی که در آغاز گزارش آمده نشده‌اند و بنیان زندگی خانوادگی اکثریشان مستحکم و خلل‌ناپذیر مانده است. اما روایت تلخ زندگی‌های متلاشی شده نیز خواندنی و عبرت‌آموز است.

روایات بی‌تفسیر!

در سطور آتی چند رأی صادره از دادگاه‌های ایرانی در مورد تنفیذ حکم چند مورد طلاق واقعه در کشورهای خارجه را درج می‌کنیم. نکات تلخ و عبرت‌آموز در این آراء چنان روشن است که ارائه هیچگونه توضیح و تفسیری را ایجاب نمی‌کند.

قبل از انعکاس این چند رأی باید یادآور شویم یکی از آنها را که مربوط به فرزند یکی از رجال مشهور ایران است و اخیراً زندگی را بدرود گفته نادیده انگاشتیم. آن شخصیت در دولت ملی مرحوم دکتر محمد مصدق متصدی مسئولیت‌های مهمی بود، در ملی کردن نفت نقش داشت و پس از انقلاب هم سفیر ایران در یکی از کشورهای اروپائی شد.

این اشاره گذرا با این هدف انجام شد تا دانسته

شود پدیده طلاق‌های بین قاره‌ای مختص خانواده‌های عادی نیست، بلکه گریبان فرزندان شخصیت‌های برجسته این کشور را هم گرفته است.

اینک متن آن چند رأی را می‌خوانیم (با این توضیح که برای حفظ شئون خانواده‌ها نام‌ها و آدرس‌ها را حذف کرده‌ایم و به جایشان نقطه چین گذاشته‌ایم).

آگهی ابلاغ دادنامه

بستاریخ

۷۴/۱۰/۱۲ پرونده

کلاس ۸۱۴/۷۴ شماره

دادنامه

۷۴/۱۰/۱۴-۱۳۴۴

مرجع رسیدگی:

شعبه ۲۰۳ دادگاه

عمومی تهران.

خواهان: لاله.....

به نشانی ولنجک

خیابان.....

خواننده:

مسجیتی.....

مجهول‌المکان.

خواسته: تنفیذ و

ثبت طلاق.

رأی دادگاه

اجازه ثبت طلاق. نظر

به تقاضای خواهان

خانم لاله..... با توجه

به اسناد و مدارک

ابرازی که حکایت از

وقوع طلاق در امریکا

دارد و تقاضای

خواهان برای ثبت

طلاق در یکی از دفاتر

طلاق ایران موجه

است دادگاه اجازه

ثبت طلاق خلعی

مورد تقاضای خواهان

را در یکی از دفاتر

طلاق ایران صادر و اعلام می‌نماید خواهان می‌تواند با ارائه این اجازه‌نامه واقعه طلاق خلعی خود را از شوهر سابقش آقای مجتبی..... به ثبت برساند.

رئیس شعبه ۲۰۳ دادگاه عمومی تهران

آگهی ابلاغ دادنامه

خواهان: خانم نرگس..... بوکالت از آقای

حبیب..... ساکن خیابان میرزای شیرازی.....

خواننده: خانم شاهدخت..... مجهول‌المکان.

خواسته: طلاق.

رأی دادگاه

نظر به تقاضای زوج آقای حبیب..... و با توجه به محتویات پرونده و اسناد و مدارک ابرازی و ملاحظه اینکه زوجین این پرونده مدتی است جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و زوج حاضر شده است مبلغ پانصد هزار ریال مهریه زوج را نیز در حساب سپرده

برده ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض

درخواست رسیدگی مجدد در این دادگاه است.

رئیس شعبه ۲۰۳ دادگاه عمومی تهران

ابلاغ رأی

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۱۷ دادگاه مدنی خاص تهران

مستقر در شمیرانات

خواهان: مریم..... با وکالت آقای امیر هوشنگ ...

خواننده: ابوالقاسم..... بنشانی مجهول‌المکان.

خواسته: طلاق.

تاریخ ثبت دادخواست:

۱۳۷۲/۹/۱۱

رأی دادگاه

در مورد دادخواست

خانم مریم... فرزند محمد

حسین شغل خانه‌دار با

وکالت برادرش آقای

امیر هوشنگ ... بطرفیت

همسرش آقای ابوالقاسم

... فرزند احمد شغل

مهندس دایر به تنفیذ

حکم طلاق شماره پ

۱۳۷۲/۱۰-۱۹۹۰ صادره

از دادگاه شهر پارامانا

استرالیا و اینکه حکم

مزبور در تاریخ ۹ ماه مه

۱۹۹۱ قطعی گردیده نظر

به اینکه خواننده مجهول

المکان اعلام شده بود، لذا

طبق ماده ۱۰۰ قانون آئین

دادرسی مدنی و از طریق

مطبوعات نامبرده دعوت

شده لکن حاضر در جلسه

دادرسی نبوده لایحه‌ای

نداده و ابراد و دفاعی به

عمل نیآورده است بنا

توجه به مدارک ابرازی

آقای وکیل خواهان

(برادرش) و عدم دفاع از

ناحیه خواننده و محتویات

پروند حکم طلاق صادره را تنفیذ و تایید می‌نماید و

توضیحاً قید می‌شود که نگهداری فرزند مشترک بنام

مهدی به مادر داده شده است و احتیاطاً صیغه طلاق

نیز میان طرفین جاری گردد. این رأی غیابی بوده پس

از ابلاغ ظرف بیست روز قابل واخواهی در این دادگاه

است.

رئیس شعبه ۱۱۷ دادگاه مدنی خاص تهران

دادگستری بنام او واریز نماید و دو فرزند زوجین هم بزرگ هستند و فعلاً نزد مادرشان در خارج از کشور زندگی می‌نمایند دادگاه خواهان را در تقاضای صدور حکم طلاق ذیحق تشخیص و با عنایت به محتویات پرونده و نظریه داوران حکم به اجرای صیغه طلاق بین زوجین این پرونده آقای حبیب..... و خانم شاهدخت..... صادر و اعلام می‌نماید این رأی غیابی

از سانفرانسیسکو تا مکزیک!

آگهی ابلاغ دادنامه

تاریخ رسیدگی: ۷۴/۹/۱۲

کلاس پرونده: ۵۱۴/۲۰۲/۷۴

شماره دادنامه: ۱۲۳۳ - ۷۴/۹/۱۳

مرجع رسیدگی: شعبه ۲۰۲ دادگاه عمومی تهران.

خواهان: خانم مه لقا..... با وکالت آقای..... به

نشانی تهران سه‌رودی شمالی
کوچه.....

خوانده: آقای فرخ..... به نشانی
مجهول‌المکان.

خواسته: تنفیذ طلاق.

تاریخ تقدیم دادخواست: ۷۴/۴/۲۵

رای دادگاه

در این پرونده خواسته آقای

فهاد..... با وکالت از طرف خانم

مدلقا..... به طرفیت آقای فرخ..... تنفیذ طلاق صادره از

دادگاه عالی کالیفرنیا مورخ ۶۰/۷/۲۴ که به تأیید مرکز

اسلامی کالیفرنیا جنوبی رسیده و نیز گواهی شده

طلاق مزبور با شریعت اسلامی منطبق بوده و معتبر

است و توضیح داده زوجین به موجب سند نکاحیه

رسمی شماره ۷۱ مورخ ۵۶/۳/۱۶ صادره از

کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو آمریکا که

مهور به مهر اداره کل ثبت احوال امور خارجه

می‌باشد ازدواج کرده فرزند مشترک ندارند چهار سال

بعد یعنی در تاریخ ۶۰/۷/۲۴ به علت اختلاف شدید با

مراجعه به دادگاه عالی کالیفرنیا از هم جدا شده‌اند و

طلاق شرعی نیز توسط مرکز اسلامی کالیفرنیا واقع

گردیده مهریه عبارت از یک جلد کلام‌الله مجید و یک

انگشتر برلیان که به زوج رسیده و ۲۵۰ هزار تومان

وجه نقد بین زوجین طبق قرارداد مصالحه شده و زوج

ادعائی بر مهریه ندارند و نلویحاً مبلغ ۲۵۰ هزار تومان

را بادل کرده است. زوج پس از وقوع طلاق به کشور

مکزیک رفته و هیچگونه نشانی از وی در دست نیست

زوج به بلاتکلیف و طلاق وی در اسناد سجلی ثبت

نگردیده وقت دادرسی به زوج طبق ماده ۱۰۰ قانون

آئین دادرسی مدنی از طریق درج آگهی در روزنامه

رسمی و روزنامه کثیرالانتشار ابرار به خواننده ابلاغ

شده خواننده در هیچیک از جلسات دادرسی حاضر

نشده لایحه‌ای نیز ارسال نداشته دادگاه با توجه به

محتویات پرونده و مدارک ابرازی وکیل خواهان

ادعای وی را ثابت تشخیص و رأی بر تنفیذ طلاق واقع

شده در مرکز اسلامی کالیفرنیا جنوبی به موجب رأی

صادر از دادگاه عالی کالیفرنیا صادر و اعلام می‌نماید

ثبت طلاق خلع بایلد مهریه بلا مانع می‌باشد رأی صادره

غیابی و ظرف مدت ۱۰ روز پس از ابلاغ بوسیله نشر

در مطبوعات قابل وخواهی سپس قابل اعتراض در

مرجع تجدیدنظر دادگاه استان تهران می‌باشد.

رئیس شعبه ۲۰۲ دادگاه عمومی تهران

از رم تا واشنگتن

خواهان: خانم نوشین..... با وکالت آقای

عباس..... به نشانی: تهران شریعتی خیابان سرتیپ

وحید دستگردی (ظفر) کوچه.....

با لباس سپید عروسی از ایران

می‌روند و با لباس سیاه بیوه‌گی به

ایران باز می‌گردند

خواننده: امیر..... به نشانی مجهول‌المکان.

خواسته: تنفیذ طلاق.

تاریخ تقدیم دادخواست: ۷۴/۱/۳۱

گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به

طرفیت خواننده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع باین

شعبه و ثبت بگلاسه فوق و اجرای تشریفات قانونی در

وقت فوق‌العاده دادگاه تصدی امضاءکننده زیر تشکیل

است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را

اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رای دادگاه

در این پرونده خواسته خانم نوشین..... با وکالت

آقای عباس..... به طرفیت آقای امیر..... صدور دادنامه

مبنی بر تأیید و تنفیذ طلاق انجام شده و حضانت و

سرپرستی فرزند مشترک طبق توافق نامه به مادر

می‌باشد که خلاصه اظهارنامه وکیل خواهان در متن

دادخواست این است که موکله در شهریورماه ۱۳۶۷

در خارج کشور در شهر رم اقدام به ازدواج با خواننده

را نموده که ازدواج مذکور به موجب حکم دادگاه

امریکا فسخ و به طلاق انجامیده که تشریفات طلاق نیز

توسط عاقد اسلامی انجام و مورد تأیید دفتر حفاظت

جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن قرار گرفته است

و تمام مدارک و اسناد به تأیید مقامات کنسولی ایران در

خارج و وزارت امور خارجه ایران نیز رسیده است

اینک جهت حضور اقامت موکله در ایران احتیاج به

تأیید و صدور دادنامه از مراجع قضائی می‌باشد لذا با

تقدیم این دادخواست تقاضای صدور دادنامه لازم بر

تأیید طلاق انجام شده و حضانت و سرپرستی فرزند

مشترک طبق توافق‌نامه را از دادگاه نموده است

دادخواست ثبت، چون خواننده مجهول‌المکان اعلام

گردیده بود وقت رسیدگی از طریق مطبوعات اعلام در

وقت مقرر هیچیک از طرفین در دادگاه حاضر نشدند

در نتیجه دادخواست ابطال می‌گردد. وکیل خواهان

نسبت به قرار صادره اعتراض می‌نماید شعبه ۱۵

دادگاه تجدیدنظر استان تهران پرونده را رسیدگی کرده

ضمن فسخ قرار ابطال صادره پرونده را جهت

رسیدگی ماهیتی به این دادگاه اعاده نموده است بنا به

مراتب نظر به اینکه طرفین در پرونده ۱۶ فوریه ۱۹۹۴

دادگاه عالی نیوجرسی آمریکا توافق جهت انجام طلاق

و حضانت و ملاقات فرزند مشترک و دیگر

مسائل فی‌مابین را نموده‌اند و دادگاه

براساس توافق حکم به طلاق و نگهداری و

ملاقات فرزند مشترک صادر کرده است و

طلاق صادره از ناحیه دادگاه در تاریخ

۷۲/۱۱/۱۴ توسط عاقد اسلامی اجراء و به

تأیید دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی

ایران در واشنگتن رسیده است از طرفی

زوج با وصف انتشار وقت رسیدگی در

مطبوعات در دادگاه حاضر نشده و اصولاً در قبایل

دعوی مطروحه هیچگونه دفاعی بعمل نیاورده است

لذا با مصون ماندن مدارک پیوست پرونده از تعرض

حکم به تنفیذ طلاق شرعی انجام شده صادر و اعلام

می‌گردد و زوج می‌تواند با مراجعه به یکی از

دفاتر رسمی طلاق نسبت به ثبت آن اقدام نماید اما در

خصوص حضانت و ملاقات طفل مشترک مفاد

توافقنامه مورخ ۱۶ فوریه ۱۹۹۴ فی‌مابین طرفین

لازم‌الاجراء خواهد بود.

رای صادره غیابی و پس از یکبار انتشار در یکی

از روزنامه‌های کثیرالانتشار و مضمی مهلت ده روز

قطعی و لازم‌الاجراء می‌باشد.

رئیس شعبه ۲۰۲ دادگاه عمومی تهران

روایتی از زندگی!

طلاق‌های بین قاره‌ای متنوع است و گناه

حیرت‌انگیز! آخرین رأی که آن هم صادره از شعبه

۲۰۲ دادگاه عمومی تهران است یکی از ترفندهای

شیفتگان زندگی در غربت غروب را باز می‌نماید.

آوردن این رأی در واقع برای حسن ختام این

گزارش است.

رای دادگاه

«آقای عباس..... در دادخواست طلاق خود

توضیح داده به موجب سند نکاحیه شماره ۱۳۷۳

مورخ ۶۹/۷/۱۲ دفتر ثبت ازدواج شماره ۱۴۹ ثبت

تهران با خواننده ازدواج کرده پس از مدت کوتاهی

خانم مزگان..... [خواننده= همسر آقای عباس.....] به

بهانه ملاقات پدر و مادرش به خارج از کشور رفت و

دیگر برنگشت. مهریه خود را مطالبه که در قبایل آن دو

دانگ از یکباب منزل توقیف شده است. اکنون پس از

گذشت مدت ۶ سال تقاضای طلاق همسرش را

دارد.....